

مرثیه سرایی در شعر فارسی؛ شعری که با «عاشورا» به اوج رسید

تهران (پانا) - مرثیه سرایی در ادبیات ایران به عنوان یکی از گونه های مطرح و مورد توجه در بین شاعران بوده است و حوادث عاشورا و قیام خونین امام حسین (ع) به عنوان یکی از مضامین جدی در این گونه ادبی مطرح شده است.

به گزارش ایسکانیوز، ادبیات در هر قوم و ملتی ریشه در فرهنگ و تاریخ آن ملت دارد و راوی زندگی مردم آن قوم است. جدای از عشق که موضوع همه‌جانبه‌گیر و مشترک در تمام اقوام دنیاست، حوادث تاریخی، اجتماعی و حتی و رویدادهای سیاسی همواره موضوعی جدی برای انعکاس در ادبیات اقوام و کشورها بوده است. مرگ به عنوان یک عامل انکار ناپذیر و دردناک نیز از موضوعاتی است که همواره نمودهایی در ادبیات اقوام مختلف داشته و معمولا این موضوع نیز به نگاه آن قوم و فرهنگ به این پدیده یعنی مرگ بستگی داشته است و در ضمن فرد یا گروهی که دچار این مرگ می شوند و نحوه این رویداد نیز از عواملی هستند که در چگونگی انعکاس آن در ادبیات از جمله شعر یا داستان موثر هستند.

بسته به میزان محبوبیت فرد کشته شده یا از دنیا رفته میزان غنای آن ادبیات نیز متفاوت است. گاهی مرگ ها آنقدر دردناک هستند که بازماندگان برای حفظ خاطره آنها و گرامیداشت یاد آنها به سرایش شعر و داستانسرایی می پردازند. این سروده ها علاوه بر تاثیری که بر آرام کردن آلام دردهای جمعی یک ملت دارد، می تواند نقش بسزایی در آشنایی ملت ها با عقاید، سنت ها، و آداب و رسوم جمعی آنها داشته و گاهی می تواند به مثابه یک کتاب تاریخ نقش آشنایی کننده نسل ها را با حوادث و ماجراهای گذشته بر آن قوم داشته باشد.

این نوع شعر در ادبیات ایران معمولا به مرثیه یا سوگنامه معروف شده است. رثا از دیرباز در موضوعات و قالب های گوناگون وجود داشته است. از قطعات پراکنده در میان ادبیات مربوط به فراغه گرفته تا اشعار یونانی این مرثیه سرایی ها دیده می شود و خود کلمه «elegy» که در ادبیات غربی به معنی مرثیه است، در یونان قدیم به وزن خاصی از شعر غنایی اطلاق می شده است.

از نمونه های ادبیات اسطوره های پیش از اسلام در ایران، می توان به سوگواره هایی که با موضوع سیاوش پهلوان ایرانی سروده شده اشاره کرد. سیاوش پهلوانی بود که در ذهن ایرانیان همواره به عنوان شهیدی مطرح بوده که بی گناه کشته شده است. سیاوش با چهره ای یوسف وار در اذهان ایرانیان شناخته شده بوده که تن به ازدواج با سودابه نداد. لذا داستان ها و اشعار زیادی در وصف او در تاریخ ادبیات ایران ساخته شده است. سیاوش نمود پاکی و لطافتی است که ویژگی آرمانی انسان را داراست و به همین دلیل از نسل او فردی چون کیخسرو پدید می آید و چون بی گناه کشته شده کیخسرو انتقام او را می ستاند.

سوگ سیاوش «سوگ سیاوش» از مشهورترین مراسم سوگواری است که همواره در ایران اجرا می شده و پس از اسلام و جایگزینی سوگ عاشورایی در فرهنگ ایرانیان، بسیاری از آیین های خود را به عزاداری برای امام حسین (ع) داد. کشته شدن بی گناه امام حسین (ع) و یارانشان در ذهن ایرانیان همواره یادآور داستان سیاوش بوده است. نوع مرگ سیاوش و جداکردن سر او از بدن نیز همواره در ذهن ایرانیان با نوع شهادت ایشان پیوندی داشته است. از جمله مراسم نخل گردانی در یزد که اکنون برای عزاداری امام حسین (ع) اجرا می شود و در گذشته از مراسم سوگ سیاوش بوده است. همچنین جامه سیاه پوشیدن چه در عزای امام حسین (ع) و چه در دیگر سوگ‌های ایرانیان نیز از آئین سوگ سیاوش آمده است.

پس از اسلام و پیش آمدن حوادث عاشورا، این ماجرای تاریخی به عنوان موضوعی در کشوری که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می دادند، از بن مایه های اصلی آیین سوگواری و به تبع آن ادبیات سوگوارانه شد. ماجرای عاشورا در ذهن ایرانیان

همواره به عنوان حادثه ای دردناک مطرح بوده و در عین حال جنگاوری ها و رشادت های امام حسین (ع) و یاران ایشان و نحوه شهادت آنها، موضوعی غنی و قابل اعتنا در بین مردم و شعرا بوده است. در تاریخ ادبیات ایران معروف است که شعر مرثیه از زمان رودکی و با اشعاری که رودکی در رثای شهید بلخی سروده آغاز شده و پس از این نیز مرثیه های فراوانی وجود داشته است. اظهار تاسف و سوگواری بر مرگ پادشاهان و بزرگان نمونه های بارز این مرثیه سرایی هاست.

در میان شیعیان اما مرثیه سرایی به شیوه ای نو مطرح شد. زیرا اگر تا آن زمان مرثی شامل مفاهیمی چون مرگ، حیات و گریستن بود، در ادبیات شیعیان ایران کم کم به شرح حماسه های کشته شده یا متوفی، جهاد و قهرمانی های آنها نیز پرداخته شد. همچنین هجو ستمگران و رسوایی و افشای ماهیت آنها نیز از جمله مضامین مطرح شده در این مرثی بود. اشاره به فانی بودن دنیا و مافیها که از مضامین موردباز در میان شیعیان بود، در مرثی مطرح شد. این اشعار، به خصوص زمانی که از قول شعرا و اندیشمندان بزرگ سروده می شد، به نوعی مخاطب را به تفکر و تالم همراه با عبرتآموزی دعوت می کرد و همواره این اشارات با تذکر اینکه گریه بر شهید درواقع شرکت و همکاری در حماسه او بوده است، همراه بود.

با نگاهی کلی به تاریخ ادبیات ایران می توان به راحتی به این نتیجه رسید که اشعار و مرثی در سوگ واقعه عاشورا و امام حسین (ع) از مهمترین مضامین مورد توجه شاعران و عموم مردم بوده است. تا جایی که شاعری چون شیخ احمد البلادی از شعرای قرن ۱۲، به تنهایی هزار قصیده در رثای امام حسین(ع) سروده است. هرچند با ظهور دولت صفوی شعر شیعی و به تبع آن شعر عاشورایی رونق تازه گرفت، اما این به آن معنا نیست که تا پیش از آن این اشعار وجود نداشته اند. از اولین کسانی که می توان در آثارشان جای پای شعر عاشورایی را دید بندار رازی، سنایی، عطار و قوامی رازی هستند. محتشم کاشانی و ترکیب&ZWNJ;بند معروف «؛ باز این چه شورش است که در خلق عالم است» نیز که از معروف ترین سروده های عاشورایی است.

نکته حائز اهمیت در ادبیات عاشورایی که لازم میدانیم در پایان به آن اشاره کنیم، تلفیق آن با هنر نمایش عاشورایی یا همان تعزیه است. تعزیه به عنوان شناخته شده ترین هنر نمایشی اصیل در میان ایرانیان همواره با شعر و مرثیه پیوند داشته و اشعار زیبای شعرای معروف از جمله مرثیه معروف محتشم کاشانی در این سوگواری و نمایش استفاده می شده و در ذهن تاریخی ایرانیان ثبت شده است. آنچه مسلم است پیوند دیرینه ایرانیان با شعر و ادبیات در حادثه عاشورا یکی از مهمترین عوامل پیدایش آثاری غنی در شعرو ادب فارسی بوده است. ادبیات در ایران به عنوان یک هنر مانوس به شکلی جدی به کمک شرح حادثه عاشورا آمده و آثاری پدید آورده که ضمن کمک به آرام یافتن آلام حافظه تاریخی شیعیان و ایرانیان، به غنای ادبیات فارسی بخصوص در مرثیه سرایی کمک شایانی کرده است.